

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۴۲۰
پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۵۹ ، مطابق با
۸ ربیع الاول ۱۴۰۱ ، بها ۱۵۰ ریال

دو سال بعد از فرار طاغوت: هنور بعد از شاه نوبت آمریکاست

* در دومین سالروز فرار شاه ملعون، مردم قهرمان ایران، یاملی شدن اموال طاغوت و بستگانش، مبارزه را در همه ابعاد علیه دشمن اصلی خلق های ایران و جهان - امپریالیسم آمریکا ادامه میدهند.

بعد از شاه نوبت آمریکاست! آسمان وطن در غرش این شمار شاه رفت منتشر شدند: مرحله دو سال پیش، در روزی که می لرزید. دیگری از انقلاب به بیسروزی شاه ملعون سرانجام گریختو ظهر ۲۶ دیماه ۱۳۵۷، رسیده بود. شاه ملعون، که با بدامان اربابان خود پناه برده، روزنامه های تهران با تیربزرگ بقیه در صفحه ۲

کمیته مرکزی حزب توده ایران: گفتگویی با سازمان مجاهدین خلق ایران

صفحات ۴، ۵، ۶

از توطئه در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بموقع جلوگیری کنیم

ب. واحدهای تولیدی - خدماتی را با تکیه بر اصول سگانه تکنیک تا بپذیرد مدیریت انقلابی، نظارت شورائی و تشکل صنفی اداره کنیم.
ب. مسائل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را با توجه به مصالح انقلاب، بالابردن کارائی فعالیت و تامین خواستهای بحق کارکنان حل کنیم.

ضدانقلاب قصد دارد باز دیگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را به اعتصاب و تحصن بکشاند. حتی صحبت از آنست که این بار اعتصاب به یک ناهنجار محدود نخواهد ماند، بلکه مناطق چهارگانه در فوجت عمل با هم اقدام خواهند کرد.
هدف ضدانقلابیون از دام زدن به توطئه اعتصاب در شرکت واحد، هماهنگ ساختن آگاهانه این اقدام با «توطئه هتم آمریکاست». اینان نقش مهمی برای تشنج در واحدهای کارگری و خدماتی قائلند و بدرستی میدانند که به تشنج کشاندن محیط های کارگری، آتم در واحدی نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، برای مقاصد امپریالیسم

و از تجاع فوائد بسیار دارد.
اما این هدف ضدانقلاب و توطئه گرانی است که می خواهند از عدم رضایت کارکنان شرکت واحد، از یک طرف، و عدم آگاهی قشر محدودی از افراد به عمق نقشه های ضدانقلاب، از طرف دیگر، سوء استفاده کنند و به نیات ضد کارگری و ضدانقلابی خود جامه عمل ببوشانند. در آنچه که مربوط به توطئه شریف و زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی است، باید گفت که اینان با وجود کار سنگین که در شرایط فعلی بعهده شان واگذار شده، بدرستی میدانند که مسائل شرکت واحد را باید اولاً با توجه به مصالح انقلاب، لایه بالابردن کارائی فعالیت شرکت و ثالثاً تامین خواست های بحق کارکنان حل فصل کرد.
رعایت مصالح انقلاب در شرایط خطیر کنونی مستلزم آنست که از هرگونه اعتصاب، تحصن، تشنج و نظایر آن در محیط های صنعتی و خدماتی جلوگیری بعمل آید. هیچ تبلیغی و تبییجی، ولو با طرح ضروری ترین خواست های کارگران و کارمندان، نباید باعث شود، که اینان ضرورت حل مسائل از راه مذاکره و حفظ آرامش بقیه در صفحه ۲

طی ۳ روز گذشته، در جبهه های جنوب و غرب دهها تانک و چند انبار بزرگ مهمات دشمن نابود شد

* در عملیات ۲۰ دی در جبهه آبادان، ۳۳ تانک دشمن سرتگون و ۵۷ تانک آن نابود شد.
* تجاوزگران صدامی همچنان به بمباران مناطق مسکونی شهرها ادامه می دهند

رزمندگان انقلاب با سرسختی و جاننازی همچنان، دشمنان متجاوز را در جبهه های نبرد خلق با امپریالیسم آمریکا، زیر ضربات پولادین خود گرفته اند. اخبار رسیده نمایانگر بیروزیهای دیگر این سلحشوران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مصاف با خصم جانی کار است.
سنگ مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۷۳ خود، قسمتی از عملیات نیروهای مسلح را در روزهای گذشته تشریح کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: ۱۰- در جبهه غرب، در عملیات ۲۲ دیماه، ۱۳ دستگاه تانک، یک دستگاه نفربر و یک دستگاه پولدور دشمن بکلی نابود شد. در این عملیات یک فروند هلی کوپتر دشمن در ساعت ۱۶ روز ۲۲ دیماه، با آتش توپخانه و دانه های هوایی ما منهدم شد. در جریان این نبرد، بیشتر خدمه تانک های دشمن بهلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی شدند. در جریان عملیات روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ دیماه در کیلان غرب، یک تانک پیاده کوهستانی عراق نابود شد و کلیه مدارک مربوط به فرماندهی تانک پادشاه به دست دلاوران ما افتاده است.

۲- در جبهه جنوب، در محور آبادان - ماهشهر، در روز ۲۲ دیماه، بر اثر آتش شدید توپخانه بقیه در صفحه ۴

آیت الله منتظری: مسامحه کاریهایی در آموزش سلاح سنگین به پاسداران دیده میشود

آیت الله منتظری: قبحه عالیقدر آیت الله منتظری، در پیامی به سمنار مسئولان آموزشی سپاه پاسداران مراسم کشور، از جمله گفتند: «ملت ما آرزو دارد که سپاه پاسداران جوانان تمام نیروهای جوان و انقلابی را در پوشش خود جذب کند.»
آیت الله منتظری در پیام خود افزودند: «اینجانب گرازا این نکته (آموزش سلاحهای سنگین) رایبه مسئولین تذکر داده ام و باینکه شنیدم این آموزش در سپاه شروع شده، ولی از قرار اطلاع، هنوز آنطور که شایسته است، توجه نمیشود و مسامحه کاریهایی به چشم میخورد. مسئولین محترم توجه دارند که آموزش سپاه پاسداران به انواع سلاحهای سنگین، علاوه بر تقویت بنیه نظامی و مسلح جمهوری اسلامی ایران و بوجود آوردن امکان همکاری و هماهنگی کامل با برادران غیور ارتش در مواقع حساس، موجب تقلیل تلفات و ضایعات انسانی خواهد شد. چه بسا مواردی که اگر برادران سپاه، آموزش سلاح سنگین داشتند، از ریخته شدن خون جوانانی عزیز و فداکار که سرمایه های این مملکتند،

آیت الله دکتر بهشتی: امپریالیسم جهانی در راه موفقیت نهایی ملت ایران کارشکنی خواهد کرد

* دشمنان ما می خواهند جامعه ما امروز متشنج باشد و ملت ما مصمم است، مانع این تشنج شود.
* هیچ تفاوتی بین ریگان و کارتر نیست.
آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در محاسبه مطبوعاتی هفتگی خود به مشورالات خیرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. دکتر بهشتی در ابتدا بقیه در صفحه ۴

وزیر مشاور در امور
اجرائی - در جلسه
علنی دیر و زم مجلس
گفت:
امریکا هر چه
از دستش
بر آید علیه
انقلاب ما
میکند

برای درهم کوبیدن انقلابیون
بفرمان آمریکا، ارتش های مزدور گواتمالا
و هندوراس وارد السالوادور شدند

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

از توطئه در شرکت واحد...

بقیه از صفحه ۱

انقلابی را از زیاد ببرند. خودداری و جلوگیری از اعتصاب، تصمن و تشنج در محیطهای کارگری، آنهم محیط نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، از عمدهترین وظایف انقلابی خود زحمتکشان است و باید با نیروی جمعی خود آنان حفظ و حراست گردد.

اما شرکت واحد اتوبوسرانی، که در شمار بزرگترین و پیچیدهترین واحدهای خدماتی شهری بهعظمت تهران است، محتاج حداکثر کارآئی است. با اینکه مسئولیت فردی برای اداره این واحد عظیم ضرور است، بدون شور و مشورت شورائی موثر، ذینفوذ، مورداعتماد کارکنان و آگاه به مسائل فنی و اقتصادی و مالی، اعتلاء فعالیت و بالا بردن کیفیت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران مقدور نیست.

سابقه کار دهساله شرکت واحد، صدها فرد آگاه به تخصصهای گوناگون در دامن این شرکت پرورانده است. اینان میتوانند و باید در اداره شرکت واحد صاحب نظر و رای باشند. این ادعا، که کارکنان شرکت واحد فاقد صلاحیت شرکت در اداره شورائی این واحد عظیم هستند و بنابراین مدیریت شرکت باید مطلق العنان باشد، از پایه، نادرست است. مدیریت شورائی، بدین معنی که مسئولیت فردی مدیر انقلابی و نظارت شوراهای انتخابی کارکنان یا هم تلفیق گردد، مدیر در عین داشتن مسئولیت فردی، اجبار به رعایت پیشنهادهای شورا داشته باشد، بهترین ضمان اداره مشرکس و بالا بردن فعالیت و کیفیت کار شرکت واحد است.

لیکن کارکنان شرکت واحد خواستهای صنفی- اجتماعی نیز دارند که باید اولاً از جانب خود آنان عنوان و ارائه شود، ثانیاً تشکل آنان را در جهت دفاع از منافع صنفی و انقلابیشان، که در جریان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما از هم تفکیک ناپذیرند، تحقق بخشد. برای تحقق این خواستها، یعنی برای آنکه مطالبات بحق کارکنان شرکت واحد با رعایت مقدمات کنونی، برآورده شود و در عین حال تشکل آنان بسود انقلاب و منافع اجتماعی زحمتکشان صورت پذیرد، کارکنان شرکت واحد محتاج برخورداری از حق قانونی تشکیل انجمنهای صنفی خود هستند.

تشکل کارکنان شرکت واحد در انجمنهای صنفی (اتحادیهها و سندیکاهای) و برخورداری آنان از حقوقی که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون کار مقرر داشته، موجب آن میشود که در وجود انجمنهای صنفی (اتحادیهها و سندیکاهای) سازمانی که قادر به دفاع از انقلاب و مانع از استفاده ضدانقلاب از تفرقه در میان کارکنان باشد، بوجود آید. علاوه، انجمنهای صنفی (اتحادیهها و سندیکاهای) خود بهتر از هر ارگان دیگری قادر به تعدیل خواستهای کارکنان و مجری بهترین روشها بسود انقلاب و منافع کارگران و زحمتکشان خواهند بود.

مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی، نظارت موثر شورائی و تجمع و تشکل صنفی (سندیکائی) کارکنان در همه واحدهای تولیدی و خدماتی، بویژه در واحدهای عظیم نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، بهترین نتایج را از نظر مصالح انقلاب، بالا بردن کارآئی تولید و خدمات و حل و فصل خواستهای کارکنان در جهت تقویت مواضع جمهوری اسلامی ایران، ختنی کردن توطئههای ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم جنایتکار جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بدست می دهد. نفی مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی و یا مخلوط و مخلوط کردن وظایف شوراها و سندیکاهای، به هیچ شمردن نقش شوراها در نظارت بر تولید اجتماعی و مخالفت با تشکلهای صنفی زحمتکشان، تحت این عنوان که گویا سندیکا یا «طاعتی» و یا «کمونیستی» است، موجب اختلالات عظیم در اداره تولید و خدمات و تقلیم روابط کاروفعالیت در جامعه انقلابی ما شده است. باید به این وضع سروصورت منطقی و انقلابی بدهیم.

ما ضمن اینکه به مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد توطئههای ضدانقلاب در واحدهای عظیم تولیدی و خدماتی، نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، هشدار می دهیم، توجه آنان را به درک اهمیت و بکاربردن شیوههای ضرور و منطبق با مصالح انقلاب در مرحله کنونی رشد آن نیز جلب می کنیم. وقت آن رسیده است که اصول سه گانه تفکیک ناپذیر: مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی، نظارت موثر شورائی و تجمع و تشکل صنفی (سندیکائی) را بعنوان منطقیترین شیوه انقلابی در اداره مسائل بکار بندیم و از نتایج مفید و موثر آن حل و فصل مسائل کارگری بکار بندیم و از نتایج مفید و موثر آن در دفاع از انقلاب، احیاء فعالیت و کارآئی در محیطهای تولیدی و خدماتی، تشنج زدائی و استقرار آرامش در محیطهای کارگری برخوردار شویم. توجه داشته باشیم که نقض هر یک از این اصول سه گانه، چنانکه دوران پس از انقلاب بدرستی و بوضوح نشان می دهد، نتیجهای خلاف مصالح و منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که حفظ آن باید مقدم بر هر چیز باشد، بیار می آورد.

کارگران و زحمتکشان ایران انقلابی! کارکنان شریف و مبارز شرکت واحد اتوبوسرانی!
برای تحقق نظم تولیدی - خدماتی برپایه مدیریت انقلابی، نظارت شورائی و تجمع و تشکل صنفی، چنانکه در این نوشته متذکر شده ایم، مبارزه کنید. اما بیوش باشیید که خواستهای شما، چه در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی، چه در زمینه فعالیتهای سیاسی- اجتماعی، در شرایط کنونی انقلاب عظیم خلق ما و توطئههای گوناگون امپریالیسم جنایتکار آمریکا و جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام، فقط و فقط در شرایط حفظ آرامش در محیطهای کار و زندگی شما میتواند تحقق یابد. هرگونه اعتصاب، تصمن، رامیسانی و تشنج بسود دشمن طبقاتی شما، یعنی امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی است، که سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ هسته مرکزی آن را تشکیل می دهد.
بیوش باشیید! آرامش در محیطهای کارگری را مانند مردمک چشم خود حفظ کنید. این مهمترین وظیفه زحمتکشان در لحظه حساسی کنونی است.

هنوز بعد از شاه، نوبت امریکاست...

بقیه از صفحه ۱

کشتهای جمعی حکومت نظامی و دیگر دسایس رنگارنگی نتوانسته بود تخت تنگین سلطنت خود را بیش از این بر دریای خون تودهها برپا نکند. مانده همه وطن فروشان و جلادان تاریخ، با دو هواپیما، که حامل «وطن» او، یعنی جواهرات و ثروتهای غارت شده از مردم ایران بود، از ایران فرار کرد. با فرار شاه ملعون خیابانهای تهران، که شب قبل کشتارگاه تودهها بود، به میدان جشن و شادمانی تبدیل شد. مردم قهرمان ما پای کوبی و شادمانی میکردند. همه به هم لیخنه میزدند. نقل و گل بر سر و روی یکدیگر می ریختند. در میدانهای شهر در غریب فریاد «چیلاد سرنگون شده» مجسمههای طاغوت را پائین می کشیدند. و بر فراز فریادهای شادمانی و غریب پیروزی، خلقی که بعد از ۲۵۰۰ سال، سرانجام تبار شاهان را به زیالهدان تاریخ فرستاده بود، در شمار یگانه خویش، مرحله بعدی تیرد را تدارک میدید:

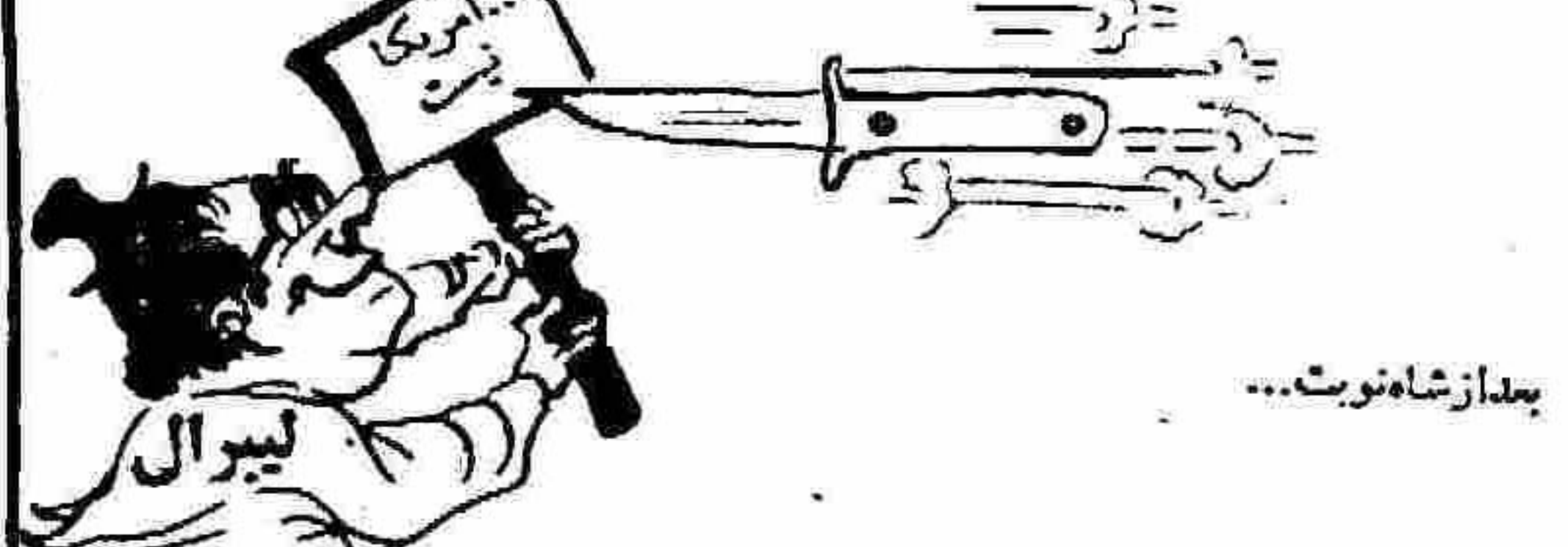
بعد از شاه نوبت امریکاست!

اکنون، بعد از دو سال که از فرار شاه ملعون می گذرد، خلق قهرمان ایران در متن این تیرد قرار دارد. در دو سال گذشته، شاه ملعون در زیاله دان تاریخ مدفون شده است. اما

دیگر مصاحبه تاکید کرد که «مسئله اساسی ایستگه دشمنان ما میخواهند جامعه ما امروز متشنج باشد و ملت ما مصمم است، مانع این تشنج شود»
دکتر بهشتی درباره لایحه ای که در ارتباط با مسائل مالی بین شرکتیهای آمریکایی و ایران، به مجلس داده شده است، گفت: «پیشنهاد حکمیتی که طرفین آن را پذیرند، دست ایران را به هیچ عنوان زیر بار حکمیت های آلت دست آمریکا نخواهد رفت»
مصاحبه خود درباره دیدار دیروز خود با سفیر ژرمانی، از جمله گفت:

«یکی از نمایندههای مجلس درباره کنفرانس اسلامی گفته است: آمریکای جاسانخواه کنفرانس سران اسلامی را برای سرکوبی جمهوری اسلامی تدارک دیده است. نظر شما چیست؟»
دکتر بهشتی گفت:

«پرشک، کنفرانس اسلامی از کسانی تشکیل نمیشود که هر یک براساسی نماینده مردم کشور اسلامی خویش باشند. در میان این سران گمان زیادی هستد که براساسی نماینده کشور خویش نیستند. بنابراین، چنین گروههایی را، صد درصد خطانمین اسلام و مسلمین بکار گرفته نخواهد شد»
آیتاله بهشتی در قسمت



نبردی رویرو با تجاوزگران برانگیخته آمریکا، یعنی لشکریان صدام هستند.
اکنون، دو سال بعد از شمار «بعد از شاه» نوبت امریکاست»
مردم قهرمان ما با خطر تهاجم مستقیم نظامی آمریکا رویرو هستند.
و امروز، در دومین سالروز فرار طاغوت، مردم قهرمان ایران یکپارچه و متحد، آمادهاند تا تیرد خود را تا پایان ادامه دهند و امپریالیسم خونخوار و غارتگر و تجاوزکار را از تسلط مجدد بر خاک میهن انقلابی خود، ناامید کنند.

در همین روزها، مجلس شورای اسلامی ایران، لایحه ملی شدن اموال شاه ملعون و بستگان او را تصویب می کند. باین ترتیب، نبرد برای پاسداری صنی و نهشی طاغوت و طاعتوتیان، شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک در تمام ایام آن ادامه دارد.
حزب توده ایران، که در دو سال گذشته، هم مانند همه تاریخ پرافتخار خود، در نخستین صفوف خلق قهرمان ایران، علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، و مزدوران آن رژیمید و گروهی از بهترین فرزندان خود را نثار انقلاب کرده است، در این واقصیت تاریخی تردید ندارد که مردم قهرمان و متحد ایران، بر رهبری امام خمینی، پوز امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را نیز، بدنبال توکر تاجدارش بر خاک خواهند مالید.

دهها تانک...

بقیه از صفحه ۱

و سلاحهای سنگین رزمندگان نیسروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ دستگاه تانک، یک قبضه خمپاره انداز، یک انبار مهمات و ۳ سنگرنیروهای ارتش صدام مزدور، بکلی منهدم شد. همچنین با اجرای آتش توپخانه رزمندگان ما، یک انبار مهمات دشمن در محور دارخوین سازه، به آتش کشیده و منهدم شد.
۳- رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در عملیات ۲۰ دیماه در جبهه شمال شرقی آبادان، توانستند ۳ فروند هلی کوپتر دشمن را سرنگون کنند که سقوط یک فروند آنها در اطلاعیه های قبلی گزارش شده است. در این عملیات ۵۷ دستگاه تانک، ۳۴ دستگاه خودرو، یک قبضه تیربار کالیبر ۵۰، منهدم و ۴ انبار مهمات ارتش عراق به آتش کشیده شد و جمعا ۲۱۲ تن از سربازان صدام مزدور کشته و زخمی شدند.
۴- از ساعت ۱۷:۴۰ پیروزی (۲۷ دیماه) شهر ذوقول، زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت که بر اثر آتش توپخانه دشمن، ۹ تن از هم میبندان عزیزمان مجروح و ۲ تن به درجشهادت نائل آمدند. ۵- روز ۲۲ دیماه، جان برآفان

**به خواستهای
بحق کارگران
شرکت «آرسنال»
هر چه زودتر
رسیدگی کنید!**

**کارگران
ریخته گر
تهران:**

تازمانیکه انقلاب هست، توطئه از جانب آمریکانیز هست

*** پیروزی ما در این جنگ حتمی است.
* این جنگ سبب اتعاد بیشتر مردم و شناخت درست
دوستان و دشمنان انقلاب گردیده است.
* کارگران باید برای مقابله با جنگ بیشتر تولید کنند.
* علت جنگ، جلوگیری از گسترش انقلاب ایران است.**

با آمریکا است. و برای آنکه این شکست تضمین شود، دولت باید استعدادهای شگرفی را که در بین کارگران وجود دارد، پرورش دهد. دولت میتواند با قراردادن سرمایه در اختیار کارگران صنعتی و حمایت از آنها، بسیاری از قطعاتی را که قبلا از خارج وارد می‌کرد، در داخل تولید کند و بدین ترتیب نقشه‌های آمریکا را برای محاصره اقتصادی ایران خنثی نماید.

سوال می‌کنیم: «این جنگ چه اثراتی داشته است؟» می‌گویند:

«این جنگ بطور کلی باعث نزدیکی بیشتر مردم به یکدیگر شده و اتحاد و وحدت کلمه‌ای را، که امام همیشه روی آن تاکید می‌کند، دوباره قوت بخشیده است. یکی دیگر از اثرات مثبت این جنگ شناخت بیشتر و بهتر دوستان و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب بوده است. ما به چشم خود دیدیم که چه کشورهایی به ما کمک می‌کنند و چه کشورهایی به عراق و در داخل مملکت نیز شاهد بودیم که کدام یک از گروه‌ها به جنگ با عراق رفتند و کدام یک به جنگ دولت ایران. اما این جنگ ضررهای اقتصادی و مالی زیادی هم به ما زده است. مثلا پالایشگاه‌های ما

از بین رفته‌اند. خانه‌ها و شهرهای ما بمباران و خراب شده‌اند. ما باید با کار و تولید بیشتر و خودداری از اعتصاب و کم‌کاری و کارکنی، جبران همه این ضررها را بکنیم. مهم‌ترین وظیفه کارگران کشور ما در این لحظه‌ها، حیاس این است که به شایعات ضدانقلاب توجه نکنند و اسیر شعارهای چپ‌نماهای آمریکایی نشوند و تن به اعتصاب و کم‌کاری ندهند، زیرا اکنون زمانی است که بیش از هر زمان دیگر به کار و کوشش نیازمندیم.

نظر چندتن از آنها را راجع به این مسئله که بعضی‌ها می‌گویند «گروگان‌گیری باعث این همه جنگ و خونریزی شده است و اگرما «گروگان‌ها» را آزاد کنیم، آمریکا دست از تجاوزات خود بر می‌دارد، می‌پرسیم. می‌گویند:

«ما با این حرف‌ها مخالفیم. البته اینکه آمریکا از گروگان‌ها به عنوان بهانه‌ای برای جنگ با ایران سوء استفاده می‌کند، درست است. ولی این نظر که آمریکا بخاطر آزادی گروگان‌ها با ما می‌جنگد نادرست است، زیرا که مخالفت و دشمنی با انقلاب ایران از ماهیت تجاوزکارانه آمریکا است، نه به خاطر گروگان‌گیری.»

روای اتحادیه در فکر همه چیز و همه‌کس جز کارگران هستند. تلاش کارگران این صنف برای ایجاد اتحادیه‌ای که مستقل باشد و باری را از دوشان بردارد، به جایی نرسیده است. با تمام این مشکلات و با همه فقر و مسکنی که دارند، وقتی نظرات آن‌ها را راجع به جنگ تحمیلی عراق به ایران و مبارزه با امپریالیسم آمریکا می‌شنویم و روحیه رزمندگی آن‌ها را می‌بینیم، در دل می‌گوییم:

چشان امپریالیسم کور است و این همه شور و شوق انقلابی خلق‌ها را نمی‌بیند و همچنان خیال به بند کشیدن و غارت آن‌ها را دارد. از کارگران علت جنگ را جویا می‌شویم؟ می‌گویند:

«این جنگ، جنگی تحمیلی از طرف آمریکا و سایر امپریالیست‌ها و رژیم‌های مرتجع منطقه به ایران است و هدف از چنین جنگی شکست دادن انقلاب ایران و جلوگیری از گسترش و نفوذ آن است.» می‌گویند:

«آمریکا که بر اثر انقلاب ایران منافعش را از دست داد، از همان روز اول شروع به ضدیت و دشمنی با این انقلاب کرد. او همه راه‌هایی را که ممکن بود این انقلاب را به شکست بکشاند، از تجهیز و مسلح کردن گروه‌های وابسته به خود در داخل کشور و ایجاد آتوب گرفته تا حملات مستقیم نظامی طیس را آزمایش کرد، ولی در همه این نقشه‌ها شکست خورد، و حالا رژیم مدام را به جان انقلاب ایران انداخته است، تا به خیال خام خود انقلاب ما را نابود کند. اما آمریکا که چنانستکار باید بداند که ما کارگران با تمام کمبود و مشکلاتی که داریم، تا پای جان خود در دفاع از مملکت و انقلاب خود ایستاده‌ایم و اگر امام فرمان بدهد، بدون لحظه‌ای درنگ کارورزندی و زن و فرزندان خود را رها می‌کنیم و به جبهه خواهیم رفت و مدام بیزید و حامیانش را سر جایشان خواهیم نشاند.» می‌پرسیم: «آیا در بسیج ثبت نام کرده‌اید و آمادگی اعزام به جبهه را دارید؟» چند نفر از آن‌ها، که جوان‌ترند، می‌گویند:

«مدت‌ها قبل، از طویق سپاه‌ها سداران، آموزش نظامی انقلاب بگذارد و کارگران را نسبت به انقلاب درسد کند و زمینه را برای فعالیت‌های مخرب ضدانقلاب فراهم کند. و ما سخنی با کارگران انقلابی شرکت «آرسنال» شما می‌توانید از طرق قانونی و مذاکره با مقامات مسئول به حقوق حقه غصبود دست یابید. تنها به این وسیله است که دشمنان انقلاب ناکام می‌مانند و شما نیز جای

جنگ تجاوزکارانه‌ای که امپریالیسم آمریکا به وسیله رژیم مدام به کشور انقلابی ما تحمیل کرده است، ادامه نوظه‌های قبلی آمریکا در جهت تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی ایران است. این جنگ که از یک سبب خسارات بسیار زیاد مالی و جانی برای مردم ایران شده، از سوی دیگر یکپارچگی و وحدت صفوف خلق را در مقابل متجاوزان نشان داده است.

در این جنگ نیز مانند همیشه طبقه کارگر پیش‌تاز دفاع از میهن انقلابی خویش است. کارگران ایران در همه حال با هوشیاری و قاطعیت به مبارزه علیه امپریالیسم ادامه می‌دهند.

در این زمینه با چند تن از کارگران ریخته‌گر کارگاه - های خیابان فدائیان اسلام گفتگویی داریم: در ابتدای کوچ‌های تلی از آن پاره و ماشین‌های اسقاط شده به روی هم انباشته شده است. شیب کوچ را پشت سر می‌گذاریم و وارد قسمت هموار آن می‌شویم. باریکه‌های آب در شیارهای زمین نفوذ کرده‌اند، بر اثر راکد ماندن، به لجن تبدیل شده‌اند. در این کوچ‌ها حدود ده کارگاه ریخته‌گری وجود دارد و خاک کوچ در قسمت‌هایی که این کارگاه‌ها قرار گرفته‌اند، به سیاهی می‌زند.

کارگران این کارگاه‌ها اکثرا مهاجرینی هستند که، بدنبال لقمه‌ای نان، سال‌های سال است از زادگاه خود دور افتاده‌اند. آن‌ها در ابتدای جوانی وارد کارگاه ریخته‌گری شده‌اند و هر کدام بعد از چندین سال کار کردن پای کوره آتش، گویی سلامتی‌شان به همراه دود - های آتش به هوا رفته است. حرارت ۱۴۰۰ درجه‌ای کوره و دود و دم فراوان آن، بعد از مدتی سبب از بین رفتن چشم‌ها، دندان‌ها و خرابی سینه‌ها می‌گردد. حال آنکه کارگران سن این کارگاه‌ها، در مورد جوانانی که تازه شروع کرده‌اند نیز تکرار خواهد شد؟

فقدان وسایل ایمنی کار، از قبیل ماسک، عینک و لیس - های مناسب و اغلب به یاد داشتن فقط یک دمپایی در مقابل آتش، خود برضایعات ناشی از کار می‌افزاید. بیمه نیستند، قانون کار شامل آن‌ها نمی‌شود. روزهای تعطیل از حقوق محرومند و حقوقشان نیز از ۱۴۰ الی ۱۵۰ تومان در روز تجاوز نمی‌کند. تازه فقط با ۱۰ تا ۱۱ ساعت کار می‌توانند چنین مزدی دریافت کنند. اتحادیه دارند، ولی اصلا به دردهایشان رسیدگی نمی‌کند.

عدم پرداخت دستمزدها و کارگران آنهم در چنین زمانی زمینه را برای فعالیت مخرب ضدانقلاب فراهم می‌کند.

چندی پیش گروهی از کارگران شرکت ساختمانی «آرسنال»، به علت عدم دریافت حقوق سه ماهه، ضعف مدیریت و عدم برخورداری از حداقل امکانات رفاهی، دست از کار کشیدند.

شرکت ساختمانی «آرسنال» با حجم کاری در حدود هشتصد میلیون ریال، بی‌مانند مرحله سوم شرکت واکن پارس - آرسنال است. این شرکت با همکاری و کارمند، مدت شش ماه است که شروع به کار کرده، ولی تاکنون در ارتباط با حل مسائل کاری، از قبیل تهیه سرویس، غذاخوری و دفترچه بیمه کارگران هیچگونه اقدامی بعمل نیآورده است.

کارگران این شرکت، با وجود تحمل کمبودها و ناراحتی‌های فراوان، به کار خود ادامه دادند. اما به علت عدم دریافت حقوق سه ماهه، ۶۷ نفر از آنان که با خانواده خود در شرایط بسیار بدی زندگی می‌کنند، به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند. کارگران در این مورد می‌گویند:

«ما تمام کمبودها و نواقص را به خاطر وجود شرایط حساس کنونی تحمل کرده‌ایم. اما عدم دریافت حقوق، آنهم به مدت ۳ ماه، برای ما که هیچگونه ممر درآمد دیگری نداریم، برای ما کارگران که گران‌ترین طاقت فرسا بردوش مان سنگینی می‌کند، قابل تحمل نیست. زن و فرزندان ما نان می‌خواهند جواب آنها را چه بدهیم؟»

کارفرمای شرکت ساختمانی «آرسنال» علت عدم پرداخت حقوق کارگران را بی پولی شرکت و تعطیل شدن کار مرافها - که در گذشته وام‌های شرکت را تا همین می‌گرددند - می‌داند. و همچنین از کارگران خواسته است که به مدت ۱۵ روز کارگاه را تعطیل کنند، تا پس از این مدت، با آنها تسویه حساب شود، که این خود به معنای اخراج کارگران از شرکت است.

می‌دانیم که طبقه کارگر ایران همواره در صف مقدم مبارزه، چه در دوران مبارزه علیه رژیم طاغوت و چه هم اکنون، در جبهه‌های نبرد علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار مدام قرار داشته است. نیز می‌دانیم که طبقه کارگر ایران به پیروزی نهایی انقلاب دل بسته است و تا این زمان تمام مصائب و مشکلات ناشی از دشواری‌های پس از انقلاب را به جان خریداریه است. از سوی دیگر واقعیت زندگی این طبقه محروم جامعه را نمی‌توان از نظر دور داشت: مخارج سرسام آور زندگی، بردوش کارگران سنگینی می‌کند.

**کارگران مبارز ایران!
در یکدست با ابزار کار
و در دست دیگر
با اسلحه،
از میهن انقلابی
دفاع کنید!**

شایسته خود را در صفوف بیم فشرده زحمتکشان ایران و در مبارزه ضد امپریالیستی حفظ خواهید کرد. نیز بر مسئولین شرکت «آرسنال» است که هر چه زودتر به خواستهای کارگران رسیدگی کنند. و از اقداماتی چون بستن کارگاه و اخراج کارگران، که در واقع عملی در جهت منافع ضدانقلاب است، دوری کنند.

انقلاب بگذارد و کارگران را نسبت به انقلاب درسد کند و زمینه را برای فعالیت‌های مخرب ضدانقلاب فراهم کند. و ما سخنی با کارگران انقلابی شرکت «آرسنال» شما می‌توانید از طرق قانونی و مذاکره با مقامات مسئول به حقوق حقه غصبود دست یابید. تنها به این وسیله است که دشمنان انقلاب ناکام می‌مانند و شما نیز جای

وی بی با سازمان

دین خلق ایران

در جمعیت بزرگترین، عمیق‌ترین و خطرناک‌ترین «جایابی ارتجاعی» در میان حیزب انقلابی میهن ما بود. با کمال تأسف، «سازمان مجاهدین خلق ایران» نه تنها بر خای خود که در «بیانه» فروردین ۵۸ آورده شده، باقی نماند، بلکه «گام» ۵۸ «مدسال این «جایابی» کشیده شد، با امروز که به‌طور کامل در جبهه آن سروهای فرار گرفته، که به وسیله همین بورژوازی لبرال اداره می‌شود، ولی «سازمان مجاهدین خلق ایران» تصور می‌کند که خودش گرداننده اصلی است!

دوستان عزیز! شما در «بیانه» فروردین ۵۸، نمایانگر بزرگ مالکی را به صراحت، ولی عریضاً قابل فهم، به عنوان یکی از پایه‌های ارتجاعی مافی مانده از رژیم سرنگون شده ارزیابی کرده‌اند. آیا این واقعیت برای شما هیچ برتری وجود نمی‌آورد که: چرا هواداران آشکار نگاه‌داری اصل بزرگ مالکی در اقتصاد کشاورزی و گردانندگان عاریت و سرمایه‌داری («خلق» سلمان «ها» و «مزان» و کلان‌سرمایه‌داران بازار و روحانی نمایان هواداران «خلق» این‌طور با گرمی از شما پشتیبانی می‌کنند؟ چه شده که همه آن‌سروها و سازمان‌هایی که هوادار ریشه‌کن ساختن بزرگ مالکی و محدود کردن غارتگری سرمایه‌داری هستند، در نظر شما در «جبهه متحد ارتجاع» جای گرفته‌اند، ولی در «جبهه متحد انقلاب» گم شده‌اند، که بعداً درباره‌اش توضیح خواهیم داد - حتی یک نفر هم پیدا نمی‌شود که در برابر لزوم اجرای این دگرگونی‌های بنیادی موضع‌گیری خصمانه نداشته باشد؟

الانته یک‌دستم از «ترجیح‌های پوک» و هواداران «مارکسیسم آمریکایی»، که امروز «متحدین شماره ۱» شما هستند، آن‌ها همان «ترجیح» اند، یعنی در سطح خارجی سرخ‌اند و در درون کاملاً سفید. و اما خود شما! به روزنامه ۲۴ صفحه‌ای خودتان مراجعه کنید! آیا شما نمی‌دانید که چه نیروهایی از «هواداران» شما، با «تهدید به آتوب» از اجرای «بند ج» قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کرده و می‌کنند؟ شما خوب می‌دانید! ولی آیا در اس ۲۴ صفحه، حتی یک ستون جا برای توجه به این امر حیاتی جامعه امروز ما، به این دسیسه امپریالیسم و ارتجاع بزرگ مالکی و ساواکی‌ها و مزدوران سیا پیدا نمی‌شود؟ چرا، پیدا می‌شود! ولی موضع - گری شما تغییر کرده است، لزوم اصلاحات ارضی برای ریشه‌کن ساختن یکی از مهم‌ترین پایه‌های اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم و ارتجاع، در چارچوب سیاست کنونی شما جای ندارد! برخورد شما این است که: بگذار بزرگ مالکان، که در جهت سرکنداختن نظام جمهوری اسلامی هستند، نیرومند و قدر قدرتی باقی بمانند! بگذار نتوانند هر چه می‌توانند نظام را تضعیف کنند!

ما در روزنامه ۲۴ صفحه‌ای شما آن قدر گشتم تا موضع‌گیری شما را علیه سرمایه‌داران غارتگر، محن‌گران و دلالان پیدا کنم، که چشم‌هایمان سفید شد. گویا در ارزیابی‌های «انقلابی» شما، دیگر خلق‌های محروم جامعه، غارت نمی‌شوند و گویا غارتگران دیگر همه ملائکه شده‌اند؟! با این‌طور ارزیابی می‌کنند که: نخست باید جبهه متحد لبرال‌ها و مائوئیست‌ها ضد انقلاب، که علیه نظام جمهوری اسلامی (با تمام نقائص و کمبودها و ناراستی‌ها و اشتباهاتش) مبارزه می‌کند، پیروز شود. حشار و اوسلی بازگردند و رژیم مایه رزیم سناک شلی برای نگهداری نظام غارتگری بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری مستقر شود. تا دوباره «انقلابی‌ها» به دفاع از حقوق محرومان علیه غارتگران به پا خیزند؟! که این‌که در دوستان عقیده دارند که: باید سر کرد، تا آمریکا به «تجاوز مستقیم نظامی» علیه ایران دست نازد، ارتش خود را در ایران پیاده کند، تا مهین ما «وسام دوم» منزل گردد؟! آیا نمی‌شود با همکاری همه سروهای ضد امپریالیسم، توسط ضد انقلاب و ایرال‌ها و مائوئیست‌ها و نار حسانه

صاف‌کن‌های امپریالیسم را خنثی ساخت و در جریان این مبارزه عمده و اصلی، با ضعف‌های درونی «جبهه انقلاب»، یعنی انحصارطلبی‌ها، ناراستی‌ها، کمبودها و اشتباهات، با قاطعیت مبارزه کرد؟ چرا، می‌شود! ولی برای این کار باید در مواضع «سازمان مجاهدین خلق ایران» در فروردین ماه ۵۸ باقی ماند!

۳- تصحیح در موضع‌گیری «سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران»

سومین تغییر مهمی که در مواضع عناصر نامبرده شده در «بیانه» فروردین ۵۸ «سازمان مجاهدین خلق ایران» به وقوع پیوسته، تصحیحی است که در ارزیابی‌ها و شناخت و عمل «سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران» روی داده است. همان طور که «مجاهدین خلق»، این کار آسانی نیست، راه پر رنج یکسال و نیم گذشته لازم بود تا اکثریت سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، از آن مواضعی که «سازمان مجاهدین خلق» آنروز نادرست می‌دانستند، به مواضعی که «مجاهدین خلق» آنروز درست می‌دانستند، تغییر مکان دهند. ولی وقتی «اکثریت سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران» این تصمیم‌های درست و برادرانه «سازمان مجاهدین خلق ایران» را عملی ساختند، با کمال تأسف مشاهده کردند که، در این فاصله، توصیه‌کنندگان جا را خالی کرده و بی‌گم‌زبانه به همان مواضعی تغییر مکان داده‌اند که «چریک‌های فدائی» در فروردین ۵۸ در آن قرار داشتند!

آنروز «مجاهدین خلق» به «چریک‌های فدائی» توصیه می‌کردند که: از مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی دست بردارید و مشکلات و خواسته‌های دمکراتیک خود را به‌ترتیب مقتضی با نمایندگان حضرت آیت‌الله خمینی... در میان بگذارید و تحت توجیه ایشان از تأمین‌ها و تضمینات سیاسی لازم در جهت استفاده از حق حیات سیاسی خود برخوردار گردید.

۴- خط‌صدا امپریالیستی و مردمی امام خمینی

عصر دیگری که در «بیانه» فروردین ۵۸ «سازمان مجاهدین خلق ایران» یادآوری شده، موضع‌گیری امام خمینی است. در آن تاریخ «مجاهدین خلق» این موضع‌گیری را با موضع‌گیری ضد امپریالیستی و مردمی خود آنچنان منطبق می‌دانستند که به «چریک‌های فدائی» توصیه می‌کردند که: دست از شیوه‌های ماجراجویانه بردارند و به جبهه انقلاب بازگردند و، تحت توجیهات «حضرت آیت‌الله خمینی»، از تأمین‌های سیاسی برخوردار شوند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که: به نظر رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران»، چه تغییر محسوسی در موضع‌گیری‌های ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پیدا شده، که پشتیبانی از آن، به پشتیبانی از «ارتجاع» بدل شده است؟ آیا شما شهادت آنرا دارید که، بدون تولا به ناسزا و توهمین و اتهام، که ما به اندازه کافی از ضد انقلاب هر روز دریافت می‌کنیم، پاسخ این پرسش ساده و روشن را بدهید؟ آیا کینه روزافزون امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده‌اش با امام خمینی، توطئه‌های بی‌کی و لاسخظ این‌نیروهای جنینی، حتی برای سواقت به جان

رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دهنده این واقعیت نیست که دشمنان انقلاب ایران، همان دشمنانی که، «سازمان مجاهدین خلق ایران»، «پیکار» - «ما» و همه گروه‌های آمریکایی - چینی مدعی «مارکسیسم» را، جز ذخیره مستقیم و با احتمالی خود به حساب می‌گذارند، امام خمینی را بزرگترین و آشنی‌ناپذیرترین دشمن خود ارزیابی می‌کنند؟

شما سلما رهنمود گارتر - موسیله برزیل‌سکی - به روزنامه‌خارج آمریکا را فراموش نکرده‌اید و مسلماً برایتان دشوار است که ادعا کنید که این رهنمود دیگر به قوت خود باقی نیست. گارتر به وسیله برزیل‌سکی به وزارت خارجه آمریکا، که مأمور اجرای توطئه‌براندازی نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی است، این طور توصیه می‌کند:

«ما توجه به قابل پیش‌بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران، الزاماً مهم است که آمریکا با تمامی رهبران اقلیت‌های نژادی و مذهبی و گروه‌های افراطی، که قادرند مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماس‌هایی برقرار کنند.»

آیا به نظر رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران»، در سیاست آمریکا نسبت به امام خمینی و هواداران و پشتیبانان ایشان تغییری پیدا شده؟ و آیا عمل آن‌گروه‌هایی که با از ماه‌ها پیش مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی، همراه‌انداخته‌اند و یادار تدارک براه انداختن چنین مقاومت‌ها و توطئه‌هایی هستند، مستقیماً در جهت سیاست آمریکا نیست؟

به این ترتیب می‌بینیم که، در این زمینه هم رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» است که تغییر موضع داده و به اردویی پیوسته است که هدفش برانداختن رژیم خمینی است، رژیم که، به نظر «سازمان مجاهدین خلق ایران» رژیم همه انقلابی‌ها باید در زیر توجیهاتش فعالیت کند، و امروز به‌عنوان رژیم واپس‌مانده خردمروزیاری سنتی ارزیابی می‌شود. (آن قدر که می‌توانست مخاطر آورد، این اصطلاح هم از مارکسیست‌های آمریکایی به عاریه گرفته شده است.)

«جبهه متحد نیروهای انقلابی» از دیدگاه رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران»

رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» در تحلیل خود، در شماره ۱۰۴ روزنامه «مجاهد»، «جبهه متحد ارتجاع» را در مرحله کنونی نبرد انقلابی در ایران، شخص ساخته و عناصر عمده تشکیل‌دهنده این جبهه، یعنی «حزب توده ایران، حزب جمهوری اسلامی، جنبش سلطانان مبارز و سازمان چریک‌های فدائی خلق (اکثریت) را معرفی کرده و ست‌گیری عمده سیاسی این «جبهه» را «نگهداری رژیم واپس‌مانده خردمروزیاری سنتی» است، نشان داده است!

ولی ما مجبوریم یادآوری کنیم، که متأسفانه در این «گفت» هم «مجاهدین خلق» ابتکاری به‌مخرج ندادند و تنها از زرادخانه رادیکالیسم ضد انقلاب چیزی را به عاریه گرفتند. به این گفتار «رادیکال» بختیار، در روز ۱۶ آذر ۵۹، توجه کنیم:

«آخوندیسم و توده‌ایسم از یک آب‌سختور آب می‌خورند و سر یک اژدها و دو اسب یک درشکه به شمار می‌آیند، که همان اتحاد درخ و سیاه... است.»

ملاحظه می‌کنید که، با کمی تغییر، صحت از همان «جبهه متحد ارتجاع» سرخ و سیاه است! حیرت‌انگیز و تاسف‌آور است که چگونه ارزیابی سازمانی که خود را «انقلابی» ترین نیروی جامعه ما معرفی می‌کند، با ارزیابی کنونی‌ترین دشمنان انقلاب ایران یکی از آنها می‌آید؟!

آیا این شباهت کافی نیست که «مجاهدین خلق» را کمی به اندیشیدن وادارد؟ چقدر به جا بود، اگر به موازات این «گفت بزرگ‌تاریخی»، دوستان مجاهد، عناصر، برنامه و ست‌گیری سیاسی «جبهه متحد نیروهای انقلابی» را هم معرفی می‌کردند و به موازات این معرفی، موضع‌گیری نیروهای اصلی دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم، ارتجاع منطقه، ضد انقلاب داخلی و بلندگویان آن را، نسبت به این دو جبهه، با سند و مدرک نشان می‌دادند.

از آنجا که «مجاهدین خلق» نخوستانند و یا نتوانسته‌اند ما را از این تحلیل ضروری بهره‌مند سازند، ما مجبوریم که با شیوه تحلیلی خودمان، نتیجه‌گیری‌های لازم را بکنیم:

این درست است که سازمان‌هایی که در «جبهه متحد ارتجاع» جا داده شده‌اند، ضمن داشتن اختلافات عمده در زمینه جهان‌بینی، در زمینه دگرگونی‌های ضروری بنیادی برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، در زمینه شیوه پیشبرد این انقلاب، در زمینه کلی‌ترین مسائل روز صحنه سیاست میهن‌مون، برای تکه‌تکه‌ی جمهوری اسلامی ایران - با همه کمبودها و ناراستی‌ها و ضعف‌هایش - در مقابل توطئه‌های روزافزون امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب پرورده‌اش، بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و همچنین سرمایه‌داران لبرال، یعنی همان‌هایی که «سهمسار ۹ بار غلط» کردند که در انقلاب شرکت کردند، مبارزه می‌کنند.

به این ترتیب، آن‌چه که از نظر رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» عامل تشکیل «جبهه متحد ارتجاع» است، همین «جبهه مشترک» می‌تواند باشد، نه «وجه اختلاف» پس «جبهه متحد نیروهای انقلابی»، «سازمان مجاهدین خلق ایران» از نظر «سازمان مجاهدین خلق ایران»، از همه آن نیروهایی تشکیل می‌شود که با این «جبهه متحد ارتجاع» درگیرند و شبانه‌روز تلاش می‌کنند که این «جبهه» را بیاورند و درآورند. این نیروها کدامند؟ امپریالیسم صهیونیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع منطقه، یعنی سادات‌ها، ضیاءالحق‌ها، صدام‌ها، قاپوس‌ها، خالد‌ها، شام‌حسین‌ها و همیالکی - هایشان! امیدواریم «مجاهدین خلق»، در این‌که همه این نیروها درصدد برانداختن همین رژیم «واپس‌مانده» جمهوری اسلامی هستند، نتوانند تردید کنند.

«کوله»، گروه‌های شش‌گانه از «سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران»، کسروه «رنجیر»، که مستقیماً در خدمت امپریالیسم آمریکا است (جالب‌توجه است که این گروه بدنام، پیش از همه گروه‌های دیگر برای «تحلیل» «سازمان مجاهدین خلق ایران» هورا کشید!) و سایر «ترجیح‌های پوک» شبه‌مائوئیستی و نیمه مائوئیستی و تروتسکیستی، که همه هم‌آواز برای «سازمان مجاهدین خلق ایران» می‌جهدند. «سازمان مجاهدین خلق ایران» که داشتن چنین «دوستانی»، دیگر کم‌ترین احتیاجی به دشمن ندارد! گروه پنجم در «جبهه متحد ارتجاع» انقلابی!»، در صدد برانداختن رژیم واپس‌گرای «جمهوری اسلامی» است، طیف وسیع لبرال‌ها است. البته علائق رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» به این گروه تازه نیست. همان ارزیابی که در «بیانه» ۲۸ فروردین ۵۸، از دولت «گام به‌گام» داده‌شده، این علائق را نشان می‌دهد:

واقعیت روزمره هم این‌طور نشان می‌دهد که همه این‌نیروهای سپاه ضد انقلابی، سازشکار و تسلیم‌طلب، گمراه و منحرف، در سطح وسیع توطئه براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران، جبهه‌واحدی را بوجود آورده‌اند. تنها این پرسش برای همه علاقمندان به انقلاب ایران هر روز مطرح می‌شود که: «سازمان مجاهدین خلق ایران» در این طیف چه کم کرده است؟

دوستان مجاهد!

واقعاً این پرسش برای ما مهم‌نیروهای که نگران انقلاب ایران هستند، مطرح است.

رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» این موضع‌گیری را چگونه توجیه می‌کند؟

برای آن‌که پاسخی برای این پرسش پیدا کنیم، ما بارها و بارها به رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» مراجعه کردیم و از آن‌ها خواستیم که گفتگوی، در هر شرایطی که آنان خواستارش باشند، باهم داشته باشیم. ولی متأسفانه توفیقی نیافتیم.

دوستان و هواداران حزب ما خود گفتگوی را با دوستان مجاهد جستجو کردند. ولی آن‌ها نیز با دیواری از استعجاب برخورد کردند، که بنا بر دستورالعمل رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» به اعضا «سازمان» بوجود آمده است، مبنی بر این که از هرگونه بحث با توده‌ای‌ها اجتناب ورزند.

ولی سرانجام، از راه مطالعه نشریات «مجاهدین خلق» و تماس‌های غیرمستقیم ما جویباری در برابر موضع‌گیری «سازمان مجاهدین خلق ایران» بدست آوردیم که بر پایه تحلیل زیرین استوار است:

۱- حاکمیت کنونی بیانگر خواسته‌های خردمروزیاری سنتی واپس‌گرای جامعه است، که آغشته به تمایلات فئودالی است. (این ارزیابی عمیقاً در پایان مقاله «جبهه متحد ارتجاع» آمده است.)

۲- این حاکمیت و طبقه‌ای که پایه‌گاه آن است، میرنده هستند و به‌محکم تاریخ محکوم به سرنوشتی نابودی‌اند. (این حکم هم در پایان مقاله نام‌برده آمده است.)

۳- هیئت حاکمه کنونی برای اجتناب از سرنگون شدن، در جهت کاهش با امپریالیسم آمریکا گام گذاشته است. (این ارزیابی مانند خط قرمزی در تمام تحلیل‌های «سازمان مجاهدین خلق ایران» دیده می‌شود.)

۴- آمریکا، که هوادار سرمایه‌داری در ایران است، حاضر به کنار آمدن با این رژیم نیست، زیرا سرمایه‌داری ایران با حاکمیت کنونی مخالف است. به این جهت آمریکا در جهت سرنگون کردن حاکمیت کنونی عمل می‌کند.

۵- جامعه میهن‌پرست رسیده و تنها راه نجات این است که «سازمان مجاهدین خلق ایران» قدرت حاکمه را به‌دست گیرد و برنامه اسلامی - توحیدی خود را پیاده کند.

۶- برای رسیدن به این هدف، «سازمان مجاهدین خلق ایران» از روند تضعیف رژیم حاکم کنونی به‌وسیله لبرال‌ها و آمریکا و هر نیروی دیگری استقبال می‌کند، و بیشتر این جبهه مستعد به دو صورت می‌تواند پایان بخیزد: حالت اول این است که: لبرال‌ها بقیه در صفحه ۶

مرحله است. ۱۰۵ روزنامه... جبهه متحد مطالع‌کنیم: با کرد که: ار... آثارهای هم... مرکا، یعنی... سگان... ان، بزرگ... اه از کتب... لبرال‌ها و... ه نمی‌شود... هالات این... و اوسلی... ماخذ، عبا... هاله، چهار... کا نام‌برده... سزی مقاله... تربت مجلی... است!... شود که: آیا... ندین خلق... سرکردگی... با، ساواکی... جلاب ضد... نکلی از... نه‌اند؟ آخر... در فروردین... و طعمه‌مودید... کند، کجا... وب سه راه... کر به این... یالیسم غدار... ای ریشه‌کن... ب خواهند... جاه طریق و... اختن نیروی... مشکل دیگری... بر اصلی صد... ود شده و... ایط‌حسان... برگر جنگ... بریالیسم... مهر ترتیب... اثری دیده... که امپریالیسم... در مواضع... وزیر، سانی... وسیع تر... تنها... برچشم‌گیری... کند، تغییر... در «ایران»



کرایه تراکتور، سوخت و بذر گران است ولی به فرمان امام لیبیک گفته و علی‌رغم مشکلات هرچه بیشتر می‌کاریم تا محتاج بیگانگان نشویم. (بندر ترکمن)

دارند. آنها از کمبود آب، بذر و کمبود گله دارند و خواهان تشکیل شرکت‌های تعاونی برای تهیه آنها هستند. خودشان می‌گویند: اجرای طرح واگذاری زمین، کامسال هم عملی نشد، بزرگ‌ترین خواست و نه‌باید آرزویمان است.

دقیقان ترکمن صحرا: ما حتماً پیروز خواهیم شد، چون حق با ما است.

دنبال اطلاعات مقامات مسئول و نهاد های انقلابی ترکمن صحرا منشی برکت کلبه زمین های مزروعی دهقانان این منطقه به تهیه مزرعه و سوخت و ... برداختند و از نیمه اول آبان کشت پائیزه گندم موجود در منطقه ترکمن صحرا شروع شد. در منطقه بندر ترکمن و کمیش دیه، تقریباً بیشتر زمین ها زیر کشت رفت، ولی علت بارندگی زیاد کشت تا اخیراً افتاد و تا اواسط آذر سیر ادامه داشت.

معتاد سال از عمرم رازوی زمین کار کرده‌ام و بدست تخم دادم. هنوز هم توانائی کاشتن دارم. اگر از بذر پاش استفاده نکرده‌ام، اولاً اسماال بعثت یارندگی زیاد کشت زمین تاخیر افتاد، ثانیاً تعداد دستگاه بذر پاش کم است و ثالثاً هزینه زیادی هم در بردارد. به همین جهت منتظر دستگاه نشدم. چون امام خمینی فرموده که هیچ زمینی بدون کشت نماند. ماهم فوراً دست بکار شدیم. میدانیم هر چه قدر زحمت بیشتری بکشیم، محصول بیشتری بدست خواهیم آورد و محتاج بیگانگان نخواهیم شد.

"چون زمین هایم سند مالکیت نداشت، با استتهاد محلی توانستم سوخت تهیه بکنم و برای اینکه بفرمایم امام خمینی لیبیک گفته باشم، با مشکلات زیادی که داشتم، زمین را شخم زدم، والا با این گرانی بذر، کرایه تراکتور و ... از این زمینهای دیم درآمد چندانی نصیب نمی‌شود. اوز دولت خواست که از حالا به فکر تهیه سوخت کمابین جهت جمع آوری محصول باشد. اومی گفت: "این جنگ تحمیلی ضررهای زیادی معارضه، قیمت مایحتاج روزانه بطور سرسام آوری بالا رفت و با درآمد ناچیز سالانه ای که ما داریم، مشکل می‌توان این گرانی را تحمل کرد. البته ما اجازه نخواهیم داد که دشمن قدم به خاک ما بگذارد، ما حتماً پیروز خواهیم شد، چون حق با ما است. امیدوارم هر چه زودتر جنگ پایان یابد و اوضاع سروسامان پیدا کند."

دهقان دیگری که از دستگاه بذر پاشی استفاده می‌کرد، از مشکلات کمبود سوخت گلایه میکرد می‌گفت: "بذر را چندین برابر گرانتر خریدم، سوخت را هم در مقابل ارائه سند زمین می‌دهند و ما هم به تراکتورداران می‌دهیم، تا زمین هایمان را شخم بزنند."

بهتره دهقانان ترکمن صحرا مشکلات مشابه و خواسته های مشترکی

دهقان دیگری به بذر پاشی یادست روی زمینش مشغول بود، بعضی دیدن ماکارشی را قطع کرد و بگری می‌یا ماحوال بررسی کرد. وقتی متوجه شد که ما برای تهیه گزارش و عکس آمده‌ایم، خوشحالی اش دوچندان شد. از او پرسیدیم که چرا قلازمین را آماده نکرده‌ای و از دستگاه بذر پاشی برای کاشت استفاده نمی‌کنی؟ گفت:

گفتگو با...

بقیه از صفحه ۵

موفق شوند قدرت حاکمه را از دست "خرده بورژوازی سنتی واپس‌گرا" به‌در آورند. در این صورت "سازمان مجاهدین خلق ایران" و دوستانش امکانات برداشته‌ای برای فعالیت آزاد خواهند یافت و با استفاده از این آزادی، می‌توانند حاکمیت لیبرال‌ها را سرنگون سازند. حالت دوم این است که آمریکا و هوادارانش بر ایران مسلط شوند، یا این که آمریکا ایران را اشغال نظامی کند. در این صورت، ایران به ویتنام دیگری بدل خواهد شد و "سازمان مجاهدین خلق ایران"، که انقلابی ترین سازمان متشکل سیاسی در ایران است و آمادگی کامل برای مقابله با آمریکا را دارد، رهبری جنگ انقلابی را به دست خواهد گرفت.

این است آن توجیهی که ما، از مجموعه تفحص خود، از تحلیل سیاسی "سازمان مجاهدین خلق ایران" به‌دست آورده‌ایم. تمام فعالیت‌های سیاسی و تحلیل‌های علنی این "سازمان" هم تا بیدار کننده این برداشت عمومی است.

بر پایه همین تحلیل است که در انتشارات "سازمان مجاهدین خلق ایران" کم‌ترین انتقادی نیست به عملکرد همه گروه‌ها و گروهک‌ها و نیروهایی که در جهت براندازی حاکمیت کنونی هستند - از ضد انقلاب سازمان یافته و ساواکی‌ها گرفته تا لیبرال‌ها و سرمایه‌داران غارتگر "خلق مسلمانی" و "گارت‌سازدارها"، تا گروهک‌های آمریکا ساخته چینما مانند "بیکار" و "تکومه" و "رنجیر" و نظایر آنان، دیده نمی‌شود، زیرا همه این‌ها در تحلیل "سازمان مجاهدین خلق ایران"، ذخیره‌های مستقیم و غیرمستقیم برای نیل به هدف، یعنی براندازی حاکمیت کنونی به‌شمار می‌روند.

از آنجا که این تحلیل، در همه اجزایش، به‌طور رسمی از طرف "سازمان مجاهدین خلق ایران" اعلام نشده است، ما نمی‌توانیم آن را با این عنوان مورد بررسی قرار دهیم. ولی از آنجا که ما هنوز مستقیم که "سازمان مجاهدین خلق ایران"، با اعتقاد به این که خط مشی سیاسی اش به‌سود انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، این خط مشی را دنبال می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که، تنها یک چنین تحلیلی و یا چیزی بسیار نزدیک به آن می‌تواند چنین خط مشی را توجیه کند. به‌علاوه، در میان هواداران "سازمان مجاهدین خلق ایران" این تحلیل مورد بحث و گفتگو است. پس

به بررسی اجزای آن بپردازیم. دوستان مجاهد این طور ارزیابی میکنند که: خطر بازگشت تسلط امپریالیسم سر میهن ما دیگر وجود ندارد و، در نتیجه، مسئله عمده در لحظه کنونی، برکنار کردن آن سدهایی است که در جلو گسترش انقلاب بوجود آمده، و این سدها در حاکمیت کنونی است که بطور انحصاری در دست "خرده بورژوازی سنتی واپس‌گرا" متمرکز شده است. در نتیجه، برانداختن این حاکمیت از هر راه (تکیه می‌کنیم از هر راه) تنها یک نتیجه به‌بار خواهد آورد، و آن هم باز شدن راه گسترش انقلاب به سود توده‌های میلیونی زحمتکش شهر و روستا است.

اشتباه این تحلیل در دو مورد عمده و تعیین کننده است: یکی شناخت نادرست از ویژگی‌های خرده بورژوازی و دیگری کم بها دادن به خطر بازگشت تسلط امپریالیسم و ارتجاع و سازشکاران. در مورد ماهیت و خصوصیات حاکمیت کنونی باید گفت که، این حاکمیت به‌طور عمده ساینده اقتدار خرده بورژوازی است. ولی این هم بطور قاطع درست است که این خرده بورژوازی دارای خصلت دوگانه است: هم خصلت انقلابی دارد، یعنی در شرایط میهن ما، خصلت ضد امپریالیستی. آزادی خواهانه و ضد سرمایه داری و ضد بزرگ مالکی دارد، و هم خصلت محافظه کارانه و واپس گرانانه. این دو خاصیت هم در تمام اقتدار و گروه‌های خرده بورژوازی، که اکثریت مطلق جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، به‌هیچ وجه، نه بطور کلی و نه به‌طور مشخص، یکسان نیست. نمونه‌های مثبت و مترقی حاکمیت‌هایی را، که نماینده اقتدار خرده بورژوازی کشور خود هستند،

در بسیاری از کشورهای در حال رشد آفریقا و آسیا، و از آن جمله در الجزایر و لیبی و سوریه می‌بینیم. در مورد مشخص حاکمیت کنونی ایران و متغیرهای عمده حاکمیت کنونی این واقعیت را هزاران خروار رنگ سیاه نمی‌تواند پوشاند که، حاکمیت کنونی، با وجود همه کمبودها و اشکالات، بیش از همه مورد ها و نقائص و اشتباهات، از همه مورد کینه و دشمنی بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران، اقتدار مرمه و ممتاز جامعه "آریامهری"، هواداران سازش با امپریالیسم و ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم، تمامی امپریالیسم و صهیونیسم جهانی، به‌سرکردگی آمریکا، و تمامی ارتجاع منطقه است. چگونه می‌توان ادعای دانش انقلابی داشت و این واقعیت را نادیده گرفت؟

به نظر ما، این تحلیل، یعنی محکوم کردن توده‌های میلیونی خرده بورژوازی به "واپس گرایی" و سکوت درباره نقش کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران، ماهیتاً تحلیلی از مواضع سرمایه داری است. هر اندازه ظاهرش رنگ انقلابی خورده باشد. و اما درباره نادیده گرفتن خطر بازگشت تسلط امپریالیسم - به نظر ما، این اشتباه ناخوشودنی است. چگونه می‌توان ادعای انقلابی بودن و آن هم انقلابی بودن "انحصاری" را داشت و این خطر را نادیده که امپریالیسم با تمام

نیروی خود می‌کوشد که سلطه دیرین خویش را در ایران سرفراز کند و، به عنوان اولین گام، هدفش برانداختن همین حاکمیت کنونی - با همه ضعفها و کمبودهای آن است؟

دوستان مجاهد!

واقعا دیدن این واقعت دشوار است که: در صورت شکسته شدن آن سدی که امروز به وسیله همین نیروهای مقاوم در مقابل بازگشت امپریالیسم، بوجود آمده است، چه خطر عظیمی نظیر ۲۸ مرداد و اندونزی و شلی، انقلاب ایران را تهدید می‌کند؟ آیا شما واقعا به این دل خوش کرده‌اید که در صورت پیروزی لیبرال‌ها و درهم شکستن همین حاکمیت متکی به "خرده بورژوازی واپس‌گرای سنتی"، لیبرال‌ها به شما و سایر نیروهای انقلابی "آزادی" خواهند داد که، حاکمیت آن‌ها را براندازند؟!؟

آیا واقعا عقیده دارید که اگر "ساواکی‌ها" و مزدوران "سیا"، که امروز با تمام نیرو در جهت براندازی حاکمیت کنونی متکی به "خرده بورژوازی واپس‌گرای سنتی" عمل می‌کنند، شما را تأیید می‌کنند و تظاهراتتان را مورد پشتیبانی قرار می‌دهند، برای این است که شما بعدا همه آنان را سرکوب کنید و نابود سازید؟!؟ آیا این گونه برداشت، ناشی از کونه بینی سیاسی و ساده‌نگری ناخوشودنی نیست؟

دوستان مجاهد!

انتقاد ما به ارزیابی‌ها و برداشتهای شما به‌هیچ وجه به معنی آن نیست که بخواهیم نقائص، ضعفها، اشتباهات، کمبودها و انحصارطلبی‌های حاکمیت کنونی را پرده پوشی کنیم. ما همواره و بیکر این جنبه‌های منفی را مورد انتقاد جدی قرار داده‌ایم و می‌دهیم. ولی اختلاف نظر اساسی ما با شما این است که: ما این انتقادات را فقط در متن مبارزه‌مدهای که خلق ما علیه امپریالیسم و ضد انقلاب، و به‌ویژه علیه آمریکا و مزدورانش انجام می‌دهد، درست می‌دانیم، به این معنی که عمدترین هدف انتقادات ما در جهت تقویت مبارزه علیه امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب داخلی و لیبرال‌های سازشکار و تسلیم طلب است، نه در جهت براندازی آن حاکمیتی که با همه نقائص و اشتباهات و کمبود - هایش - در این مبارزه درگیر است. ما گترشی آینده انقلاب را در سمت گیری ضد امپریالیستی و مردمی‌اش، تنها و تنها زمانی ممکن می‌دانیم که ضد انقلاب - یعنی همان کسانی که شما در "بنایه" خود "مزدوران سیا و ساواکی‌ها" نام برده‌اید - سرکوب شده باشد و لیبرال‌هایی که برای نگهداری غارتگری خود با آنان متحد شده‌اند منفرد شده باشند، نه از راه تلاش برای به حاکمیت رساندن لیبرال‌های متکی به "مزدوران سیا و ساواکی‌ها".

از تجربه تاریخی انحراف رهبری حزب کمونیست چین پند بگیرید

تجربه دردناک تاریخی انحراف رهبری حزب کمونیست چین برای همه نیروهای انقلابی جهان آموزش‌های بسیار گرانبهایی دربر دارد. در این تجربه می‌آموزیم که، رهبری حزب کمونیست چین، که اکثرشان همان کسانی بودند که دهها سال در نبرد زندگی و مرگ با دشمنان واقعی خلق کبیر چین و همه خلق‌های محروم جهان، یعنی امپریالیسم جهانی، مبارزه می‌کردند، چگونه گام به گام مواضع انقلابی را ترک کردند و به سازش‌نگینی با همان دشمنان گذشته، تن در دادند و با این چرخش، بزرگترین خیانت تاریخ را به جنبش‌های مردمی و انقلابی جهان مرتکب شدند.

بمباد نیابیم که ابتدا رهبری چین به‌هیچ وجه از سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن دم نمی‌زد، بلکه اولین گام انحراف، زیر شعار "امپریالیسم سر کاغذی است، باید از جنگ اتمی نترسید و آن را درهم کوبید"، برداشته شد. در این مرحله، منحرفین چینی خود را "ما فوق انقلابی" معرفی می‌کردند و از سایر کمونیست‌های جهان می‌خواستند که هرچه زودتر جنگ را علیه دنیای امپریالیستی آغاز کنند. آن‌ها کشورهای سوسیالیستی هر نیرویی را که آماده پذیرش این شعار ماجراجویانه نبود، "سازشکار"، "روبرونیست"، "ترسو"، "اپورتونیست" و ... نامیدند. ولی زمان و تاریخ، مانند همیشه، واقعیت را از زیر خورارها دروغ و تهمت و افترا بیرون کشید. رهبری چین تا حد سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن و صهیونیست‌های اسرائیل و نژادپرستان جنوب آفریقا و جلادانی مانند پینوشه و خائنینی - مانند سادات و ضیاالحق - به پیش تاخت. ولی رهبری چین هنوز هم ادعا می‌کند که گویا نیروهایی که با قاطعیت و استواری تمام علیه این اردوگاه غارتگران و جنایت‌پیشه‌گان در نبرد هستند، به محرومان جهان "خیانت" می‌کنند!

ما امیدواریم مبارزاتی که در "سازمان مجاهدین خلق ایران" گرد آمده‌اند، دگرگونی‌هایی را که در مواضع و سمت گیری‌هایشان بوجود آمده است، بدون پیش‌داوری و با احساس مسئولیت تاریخی، مورد بررسی نقادانه قرار دهند. حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را تکرار می‌کند: حزب توده ایران آماده است زیر شرایطی که "سازمان مجاهدین خلق ایران" مناسب بداند، همه مسائل مورد اختلاف را با آن "سازمان" به بحث بگذارد و عین بحث، برای قضاوت، در اختیار افکار عمومی مردم ایران قرار داده شود. کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۱۰/۲۲

وزیر مشاور در امور اجرائی، در جلسه علنی دیروز مجلس گفت:

امریکا هر چه از دستش بر آید علیه انقلاب ما می کند

★ مشکل ایران یا آمریکا با اشغال جاسوسخانه آمریکا شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد.
★ ماده واحده پذیرش حکمیت در دعای مالی ایران یا آمریکا، با افزودن یک تبصره، تصویب شد.

ما به قبل و بعد از گروگانگیری مربوط نیست. امام می گویند همه بدبختیهای ما از آمریکا است. آمریکا در مذاکرات مدعی شده است که اموال ما را آزاد می کند فقط یک اشکال کوچک دارد و آن اینکه از نظر حقوق آمریکا بعضی امور در اختیار ما نیست. سؤال من این است که آیا دعاوی شرکت های آمریکایی قبل از گروگانگیری هم وجود داشت یا خیر؟ در حقیقت اموال ما از قبل مسدود شده بود و مسئله این است که آمریکا هیچ حسن نیتی از خود نشان نداده است. آن ها دارند اینقدر مسئله را کثیف می دهند که اشرف و بقیه دارند اموال شاه را از حوزه قضایی آمریکا خارج می کنند.

فصلنامه گفت: «یکی از شرایط ما این بود که آمریکا در ایران مداخله نظامی نکند. همین الان جوانهای ما دارند در جبهه ها کشته می شوند. ما هم که می گوئیم این جنگ با عراق نیست، با آمریکا است. دست آمریکا در سیستان و بلوچستان و کردستان... دیده می شود. از طرف دیگر هر روز توطئه های رنگارنگ عمال آمریکا سر ما به داران وابسته، فتوادل ها... در نقاط مختلف کشور دیده می شود. این هم مداخله. بنابراین چهار شرط از طرف آمریکایی ها گذاشته شده و بعد از تصویب مجلس آمریکا هیچ قدمی در این راه برنداشته است. و ظرفیته ما را به جای کشاند است که فقط رسیدیم به پول و حلاله در دنیا عنوان می کند که یک ملت وحشی چند انسان متمرد را گرفته و حالا می گوید پول بده تا این ها را آزاد کنی! این جنگ روانی علیه ماست، مایه که می گوئیم که آمریکا باید جواب جنایات ۴۵ ساله خود را در ایران بدهد.»

فصلنامه در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت: «به این مسئله فکر کنید و ببینید آیا بعد از این همه غزرتها ما به آمریکا بدهکاریم یا آمریکا به ما؟» سپس مذاکرات مجلس ادامه یافت و موافقین و مخالفین نظرات خود را ابراز داشتند. وزیر مشاور در امور اجرائی در پاسخ ایرادات نمایندگان مخالف گفت:

«ما همه می دانیم که آمریکا هر چه از دستش برآمده و برآید در رابطه با انقلاب اسلامی ما کرده و خواهد کرد. یعنی مسئله ملاحظه یک جناح مطرح نیست. مشکل ما با آمریکا با اشغال جاسوسخانه شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد. ولی ما در این مدت به پیروزی های بزرگی رسیدیم و نباید گفت که «حالا به اینجا ختم شده است». به اعتقاد ما اشغال جاسوسخانه به پیروزیهای خود رسیده است. داشتیم تهنیتی را که آمریکا نوشته به الجزایر داده می خواندیم. دیدیم از نظر سیاسی اشغال جاسوسخانه یک مجموعه اختیارات برای ما بوده که آمریکا را به جای کشاندیم که چنین چیزهایی بنویسد. بنویسد که از این پس دیگر در امور ایران دخالت نخواهیم کرد... این ها در واقع آن پیروزی های است که ما بدست آوردیم. اگر بخواهیم مسئله را به بعد اقتصادی قضیه بکشانیم، باید بگویم که ما یوزه آمریکا را با اشغال لانه جاسوسی به خاک مالیدیم. ما اعتماد به نفس در ملل مستضعف جهان بوجود آوردیم. در داخل مملکت با این کار تحول ایجاد کردیم و حرکت هایی را که در جهت نوعی همکاری با شیطان بزرگ پیش می رفت، متوقف کردیم. ولی طبیعی است که در یک مرحله ای باید این مسئله را به اتمام برسانیم.»

لایحه تصویب شد
در پایان مذاکرات دیروز، با افزودن یک تبصره، لایحه رجوع به حکم، در مورد اختلافات ایران و آمریکا، تصویب شد. متن تبصره به شرح زیر است:
«در مورد اختلافاتی که رسیدگی در محاکم صالحه ایران در قرارداد مربوط پیش بینی شده است، از شمول این ماده واحده مستثنی است.»

در حاشیه مجلس

جان گروگانها یا منافع جنرال موتورز؟

مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، هنگام بحث درباره جزئیات لایحه گفت:

«اولا بگویم آمریکا خیلی دلش نمی خواهد این مساله حل شود. با اطلاع که ما داریم، می دانیم آمریکا خیلی تمایل به حل این مساله ندارد. ثانیاً اصلاً آمریکا برای این ۵۲ نفر کوچکترین ارزشی قائل نیست. شما فکر می کنید این ۵۲ نفر مساله خیلی مهمی است برای آمریکا تا دست اینها، دست ما باشد، کپانی جنرال موتورز از یک قرانش می گذرد یا نمی گذرد؟! این مساله نیست.»

لیبرال ها... لیبرال ها...

وقتی یکی از نمایندگان در سخنان خود گفت:

«ویگان گفته است ما منتظر سرکار آمدن دولت میانه روتری در ایران هستیم.»

از گوشه و کنار مجلس زمره بلند شد:

... لیبرال ها... لیبرال ها...»

ادامه می یابد. قصد ما جلوگیری از اطلاع مطلب بود. ضمناً ما اصل ارجاع به حکمیت را می خواهیم از مجلس اجازه بگیریم، ولی در مورد دعای مختلف مجدداً تأیید مجلس لازم است.»

سپس در مورد پیشنهاد آیت رای گرفته شد، که به تصویب نرسید. آنکاه دکتر هادی با دادن توضیحاتی اخطار حسن آیت را مردود شمرد و تأکید کرد که باید حکمیت صالحی وجود داشته باشد که طرفین آن را قبول داشته باشند. سپس امین قاضی به عنوان مخالف این طرح سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«ما با اعلام آن چهار شرط به دنیا اعلام کردیم که هدف ما از گروگانگیری احقاق حقوقی از دست رفته مان است. حالا هم باید پای این شرطها بایستیم. در آن شرطها گفته شده بودند که وقتی گروگانها آزاد می شوند که آمریکا همه تصدیقات علیه ایران را لغو کند... این مسئله با اکثریت آراء به تصویب رسید، در حالی که این لایحه تناقض آشکار با مصوبه خود ما دارد. مسئله دیگر مربوط به مذاکره است که مجلس آنرا با اکثریت قاطع رد کرد. این افتخار مجلس بود. ما به دولت موقت حمله می کردیم که باب گفتگو با یک آمریکایی را باز کرده و ما باید این باب را می بستیم. این باعث سوء استفاده مخالفین است و من به دولت هشدار می دهم که مواظب چنین مواضعی باشند.»

امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند

ناطق سپس در مورد تغییر دولت آمریکا و اثرات آن، با اشاره به یکی از سخنان امام خمینی، گفت:

«ما باید جویری رفتار کنیم که طمع دشمن را برناتانیزد. ما هر چه زودتر نشان دهیم دشمن، آمریکا، که می خواهد به حاکمیت ملی ما لطمه بزند، دندانهایش را تیزتر می کند. ما باید شعارهایی که امام با آنها انقلاب را به اینجا رساند و گفت که آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند، پای بند باشیم. ما نباید از زست های اینها بهراسیم.»

فصلنامه محلاتی، اولین موافق این طرح، ضمن سخنانی، از جمله گفت:

«ما داور را می خواهیم انتخاب کنیم، بیش از این مسئله ای نیست. هیچ نوع تسلیمی در مقابل آمریکا نیست که ما احساسی ذلت کنیم. ریگان که در مصاحبه های گفته فلان امام قدرت سابق را ندارد و دولت هم در ایران قدرتی ندارد، و ما منتظر آمدن دولت میانه روتری هستیم... ریگان باید بداند که نمی تواند از اختلافات جزئی بهره برداری کند. روزی که با گرفتن لانه جاسوسی آمریکا، فریاد مردم ایران بلند شد، دفتر دولت سازشکاری که بخواهد با آمریکا صحبت کند بسته شد. دیگر هیچ دولتی در ایران، با این زهر و این ملت، قدرت سازی با آمریکا را نخواهد داشت. ولی الان صحبت سازی نیست، ما به دولت اجازه داده ایم و دولت بر آن اساس این طرح را مطرح کرده است.»

ناطق سپس افزود: «از این گذشته ما باید حقوقمان را بگیریم. حق که نه، چون حقوق ما در این چیزها خلاصه نمی شود. فقط خواستیم فعلاً حقوق قانونی ما را بدهند والا کشوری که این همه جنایت کرده، و الان هم توطئه می کند و گفته است که بعداً علناً از عراق حمایت می کند، برزیل را به خاورمیانه فرستاده... ما با اینها مذاکره نداریم. استقامت ما در برابر آمریکا همیشه خواهد بود و ما دیگر سلطه ای را نمی پذیریم.»

فصلنامه، مخالف بعدی، چنین استدلال کرد:

«ما چهار شرط برای آمریکا گذاشتیم... در این شروط دعای

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، ضمن طرح لایحه مربوط به پذیرش حکمیت در ارتباط با دعاوی مالی ایران و آمریکا، تأکید کرد که: «مشکل ایران یا آمریکا، با اشغال جاسوسخانه آمریکا شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد. آمریکا هر چه از دستش بر آید علیه انقلاب ما خواهد کرد.»

در آغاز این جلسه گیاوش، به عنوان اولین نامتق پیش از دستور سخن گفت. وی ضمن اشاره به دلاوریهای رزمندگان انقلاب در جبهه های جنوب و غرب، اظهار داشت:

«می خواهم پیامی به صدام بفرستم که اگر تصور می کند با حمله و تحمیل جنگ بر ما و یا به شهادت گرفتن بهترین گلهای ما، می تواند کوچکترین بردی در این جنگ داشته باشد و ارباب آمریکایی خود را راضی کند، این خیال خامی است. این ما و صدام و صدامیان، در جبهه خارج و ستون پیچم در داخل... جز جنگ حاکمیتی وجود ندارد. تا زمانی که عزیزان ما حاضر باشند مبارزه کنند، این جنگ ادامه دارد.»

گیاوش در قسمت دیگری از تعلق خود، گفت:

«ما این جنگ را نه از طریق مذاکره و سیاست، بلکه از طریق جنگ با صدام به پایان خواهیم رساند. راه دیگری نیست.»

شاهچراغی، دومین سخنران پیش از دستور گفت:

«در سفری که به خوزستان داشتم، مسائل مختلفی از پیروزیها و شور و شوقها و احیانا کمبودها را ناظر بودیم. حال می خواهم بپرسم که: آیا شورای عالی دفاع، که مسئولیت جنگ را بر عهده دارد، هیچگاه بدنبال فتحها و شکستها به تحقیق نسته و مسائل را تحلیل کرده است، یا نه. آیا به فکر افتاده که ببیند سربازان مذاکره ما چرا دو ماه با امکانات محدود در سنگرها بسر بردند، بدون اینکه هیچ تحرکی در میدانها وجود داشته باشد؛ وجه عاملی است که باعث رکود است و می گویند تا تهاجم را محال جلوه دهند؛ اینها ناشی از ضعف فرماندهی بوده یا از اختلالها؟ چه کسانی اختلال کرده اند؛ چه عامل و عواملی منجر به شهادت بیش از ۱۰۰۰ پاسدار در هویزه و در همین حدود از سربازان رشید و خدما قانکهای ما شده است؛ و اصولاً اکنون در چه وضعی هستیم؟ بعد از پیروزی ۲۸ صفر، ما در چه وضعی هستیم؟ آیا به گزارش های سپاه پاسداران توجه شده است؟ این گزارش های ضد و نقیض از کجاست؟»

ناطق سپس تأکید کرد که باید به این مسائل توجه کرد و با توجه به ویژگی اوضاع و حساسیت وضع جهان و نقشه هایی که برای ما می کشند، مسئولین گزارشی در این مورد تهیه کنند. او افزود: «سزاوار است که ما این مسائل را با امام در میان بگذاریم و از او رهنمود بگیریم. آیا درست است که در این شرایط همچنان روزنامه های صبح و عصر به روحانیت مبارز به سپاهانهای مختلف بتازند؟ و از آنجمله جمعه منصوب امام به عنوان «خطبه خوانانی که سخنانشان باعث تفرقه است»، یاد شود؟ آیا تضعیف دادگاههای انقلاب در این شرایط، با وجودی که می دانیم ضعفهایی دارند، تضعیف اقدامات انقلابی و اقدامهایی که باعث پیشرفت انقلاب شده، نیست؟ آیا هم صدایی یا خانوادگی کسانی که از انقلاب صریحاً خورند، نیست؟»

ناطق در قسمت دیگری از سخنان خود گفت:

«آیا سزاوار است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از جناحهای مختلف به طعن گرفته شوند و به آنها انگهای مختلف زده شود؟ چه دستهایی در کار است؟ آیا ما نمایندگان مجلس هنوز به این نتیجه نرسیده ایم که نباید از این مسائل به آسانی گذشت؟ بخصوص در جبهه های جنگ و اینکه جنگ فرسایشی و رکود در جبهه ها باعث تقویت این اقدامات می شود؟»

یونس محمدی، سومین سخنران پیش از دستور بود، که در ارتباط با مسئله تعیین حدود اختیارات نمایندگان مجلس سخن گفت، و سپس از مسئولین امر خواست که به نطق های پیش از دستور توجه کنند.

طرح لایحه دوفوریتی در مورد «گروگانها»

پس از پایان سخنان پیش از دستور، لایحه دوفوریتی دولت در مورد اختلافاتی که در امور مالی بین ایران و آمریکا وجود دارد، مطرح شد. در این قسمت، حسن آیت، به عنوان اینکه در این لایحه دعاوی مالی ایران مشخص نشده است، و ممکن است هریش ما دست آمریکا یافته خواستار لغو دوفوریتی این لایحه شد. در این زمینه دو مخالف و موافق سخن گفتند.

آنکاه مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی در مقام پاسخگویی اظهار داشت:

«اصولاً هنوز هیچ نوع تهنیتی از جانب ما و یا آمریکا به الجزایر سر برده نشده و فقط یک سری تهنیت هایی ارائه شده و هنوز نتیجه گیری نشده است. بالطبع چنانچه در این فاصله هت های نمایندگان تغییر کند، چه بسا که دولت های جدید سلیقه های دیگری داشته باشند. البته باید صریحاً بگویم که از نظر دولت، فرقی بین کارتر و ریگان نیست و هر چه دولت کنونی آمریکایی گوید، با توافق دولت ریگان است و اینها جنبه نمایشی دارند. ولی این را هم می دانیم که اگر این گفتگوها به جای نرسد، در زمان دولت بعدی هم گفتگوها

مازاد حزب در شهر مرد ۲۵۰۰۰ ریال
موتا از رشت، از قلمکش برای حزب پدرش ۴۲۰ ریال
نازلی برای حزب پدرش از گرگان ۴۲۰۰ ریال
عاج ۳۰۰۰۰ ریال

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

تمام کارشکنی ها و سیاستهای دشمنان اسلام و استقلال کشور، کارآیی و آمادگی رزمی نیروهای مسلح اسلام بحد کافی و کامل رسیده، بتوانند تمام خطرات و تهدیدهای نظامی دشمنان را در تطفه خفته سازند.

۲۰۰ ریال

مسامحه کار بهایی...

اینجانب یازده گسر مسئولین مربوطه را به این امر مهم توجه میدهم و از آنان میخواهم به منظور تقویت روحیه ازش و سیه و بوجود آوردن زمینه هماهنگی کامل نظامی در صحنه های جنگ.

یکوشند هر چه زودتر سپاه پاسداران، این جوانان عزیز جان برکفرا که با تمام وجود از دستاوردهای انقلاب و وطن اسلامی دفاع میکنند، به انواع سلاحهای سنگین و مدرن آموزش داده، تا بدخواست خدای بزرگ، علیه رزم

« نهضت آزادی ایران » و « اخلاق اسلامی »

نهضت آزادی ایران که با انتشار هفتاد و یک شماره از « نهضت آزادی ایران » در سال ۱۳۵۷ آغاز شد، در پی کوشش برای کسب اعتبار است. حوسنت بیاد بنیاد نهضت آزادی ایران که در سال ۱۳۵۷ در تهران تاسیس شد، در پی کوشش برای کسب اعتبار است. حوسنت بیاد بنیاد نهضت آزادی ایران که در سال ۱۳۵۷ در تهران تاسیس شد، در پی کوشش برای کسب اعتبار است.

« وقتی اصالت به سوء ظن داده شد و وقتی یسایشی همه مردم را دغل و دروغگو و مکار و وابسته و خیانتکار و توطئه‌چین دانستیم، و هنگامیکه همگان را مریض فرض کردیم و هر کدام را خوشمرانه در خطی انحرافی قرار دادیم، البته کار یحاصلی به آنجا خواهد رسید که بجای همدلی و برادری و رفاقت، کسانی باید پیشینند و برای پیش‌داوریا و پیش‌فرضهای خود دلیل بیاورند و چون قیلا فرض بر ناپاکی دیگران است... »

حزب توده ایران که بیخ روی نمیتواند و نمی‌خواهد با آن مشی سیاسی که نویسنده این مطالب، یعنی آقای هیندس بلزرگان، نماینده آن است، همدلی و رفاقت داشته‌باشد، با مضمون این مطلب، که در سرمقاله ۱۸ دیماه ۵۹ روزنامه «میزان» چاپ شده است، یعنی با شیوه اصولی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک بدون دشنام و افترا - موافقت کامل دارد. این توافق، چنانکه بر همگان روشن است، ریشه در مشی انقلابی و اصولی حزب توده ایران دارد. همانطور که تاریخ حزب ما نشان داده است، توده‌های ما با دشنام و افترا و تمبیت مخالفانند و حتی با دشمنان سیاسی خود، یا زبان انقلابی، یعنی بر اساس شواهد، واقعیات و اسناد سخن می‌گویند. این واقعیت را حتی دشمنان حزب توده ایران نمی‌توانند انکار کنند.

رهبر «نهضت آزادی ایران» در ادامه مقاله بالا می‌نویسد:

« هیچگاه مسلمانی بحکم احکام اخلاق اسلامی و به رعایت حقوق برادری و اخوت انسانی و بر اساس اصل برائت، بخود اجازه سقوط در چنین ورطه خطرناکی را نتواند داد. » (همانجا)

حزب توده ایران که خود هرگز در « ورطه خطرناک » افترا و دروغ نیفتاده و با تکیه به اخلاق انقلابی خود، هرگز هم نخواهد افتاد، بسیار خرسند خواهد شد که مخالفان آن، نه بر شالوده اخلاق انقلابی ما، بلکه بر اساس اعتقادات خود - اگر فقط ادعا نیست - که از جمله در سخنان بالا آمده و اجتناب از آن، عدم رعایت اخلاق اسلامی، تعبیر شده، در این ورطه نیافتند.

که آقایان تا چه حد به « اخلاق اسلامی » که خود مدعی‌اش هستند، پایبندند و تا چه حد از سقوط در آن « ورطه خطرناک » خودداری کرده‌اند. به علاوه، « نهضت آزادی ایران »، که این چنین ناروا و بربروا، به حزب توده ایران، حزبی که طی حیات چهل ساله خود هزاران قربانی در راه استقلال و آزادی و ترقی ایران داده و هم‌اکنون نیز فرزندان خلفو قهرمانش در جبهه‌ها برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، می‌جنگند و شهید میشوند، افترا می‌زند، آیا از یاد برده است که درباره عناصر خائن چون امیرانظام، پختیارها، تزیه‌ها، مقدم‌مراه‌های هاکه یا از اعضای « نهضت آزادی ایران » بوده‌اند و یا از دوستان نزدیک آن - یا اظهار نظر نکرده و یا حتی کوشیده است خیانت آنها را توجیه کند؟ هنوز هم این سؤال برای مردم ایران مطرح است که: بالاخره پختیار « رفیق دیرینه » رهبران « نهضت آزادی ایران » است یا خائن است؟ تزیه « داشتیم » میکند یا خائن؟ ... از این قبیل سئوال‌هاست. اگر « نهضت آزادی ایران » آماده پاسخ گفتن باشد، فراوان است.

از این گذشته، « نهضت آزادی ایران » در حالیکه با انتساب آیت‌الله طالقانی به خود، در کوشش برای کسب اعتبار است، نه تنها مشی انقلابی این مبارز بزرگ را دنبال نمی‌کند، نه تنها برخلاف آیت‌الله طالقانی در مقابل

متاسفانه باید بگوئیم که این آرزوی حزب توده ایران هنوز برآورده نشده است و مشی دشمنان و مخالفان حزب ما، چیزی غیر از تمبیت، دروغ، افترا و فحاشی نیست. راه دور نمی‌رویم. به سوابق تاریخی و ریشه دشنام‌ها و افتراها به حزب توده ایران، که مبتکر آن امیرالیمسوا و ارتجاع جهانی بسرکردگی آمریکا است و توسط جلادانی چون « سرلشکر پختیار » و « سرهنگ تزیه » اجرا شده، نمی‌پردازیم. ما این سخنان را با بیانات « شاهانه » درباره حزب توده ایران و آنچه که سرلشکر با تمام قوا، همین چند هفته پیش در دادگاه انقلاب علیه حزب توده ایران گفت، مقایسه نمی‌کنیم. اجازه بدید دو روز بعد از نوشتن سرمقاله بالا در روزنامه «میزان» باز هم سراغ این روزنامه برویم و در صفحه دوم آن، در روز ۲۰ دیماه، به « نامه سرگشته نهضت آزادی ایران به مسئولین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی » مراجعه کنیم.

« ... و یا اصولا چرا اسمی از بسیاری از احزاب وابسته چون حزب توده، حزبی که خیانتش را بارها تجربه کرده‌ایم، نمی‌آورده؟ بکمان ما، قیاس این تمبیت‌ها، که حتی در آن ابتکار هم دیده نمی‌شود و همچنان جایزه ابتکار آن به ساواک و سیا تعلق دارد، با سرمقاله دو روز قبل رهبر « نهضت آزادی ایران » در روزنامه ارگان این « نهضت »، نشان میدهد

انقلاب ایران ایستاده و سعی در جلوگیری از تعمیق آن دارد، بلکه درست آن مشی را دنبال می‌کند که آیت‌الله طالقانی طرح و مبتکر آنرا دربار تنگین پهلوی معرفی کرده است: چنان کمونیسم!

آیت‌الله طالقانی روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ در مراسم بزرگداشت دکتر مصدق گفت:

« داستان ۲۸ مرداد پیش آمده خوب شده خوب نتیجه‌ای گرفتیم؟ بهره بردیم؟ نیایدین تاریخ برای ما تجربه باشد من وقتی به مسجد آمدم، آن قدر نامه بتوان چیرها و تودم‌های البته بتوان آنها - یا شعرهای آنها، ترا می - کنیم، همه آخوندها را میکشیم، پندارتان میزنیم بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد، اگر در راه ما مقاومت کنید، چه می‌کنیم، و برای مراجع دیگر فرستادند. من این را می‌دانستم. ما می - دانستیم این دروغ و سیسه است که کمونیسم میخواهد مسلط شود و دین را می‌خواهد از بین ببرد. عده‌ای داد ووااسلامشان بلند شد و عده دیگر با شعرهای این طرفی‌شان

(۱۵ اسفند - ۱۳۵۷ روزنامه‌های تهران) آیت‌الله طالقانی در سخنرانی خود در شب اربعین (دیماه ۱۳۵۷) بصراحت گفت که این اعلامیه‌ها توسط دربار تنگین پهلوی تهیه و پخش میشده است. (به نقل از کتاب طالقانی و تاریخ)

براستی اگر « نهضت آزادی ایران » آیت‌الله طالقانی را از بنیانگذاران خود میدانند، چگونه است که توطئه‌های راه، که آن مبارز بزرگ افشا کرده است، بیگانه دنبال میکنند؟ لیبرال‌ها و از جمله « نهضت آزادی ایران »، پیوسته به حزب توده ایران دشنام می‌دهند و افترا می‌زنند، که « نامه سرگشته » به مجاهدین انقلاب اسلامی، تا این لحظه، آخرین آنهاست. براستی که میتوان علیه این همه افترا اعلام جرم کرد. اما حزب توده ایران اعلام جرم نمی‌کند چون قایده نداد، زیرا ظاهرا دشنام گویی و افترازی به حزب توده ایران جرم نیست. ولی تاریخ خود بزرگترین تشخیص‌دهنده جرم‌ها و خود تنها مجری مجازات است. مجازاتی که حقیق طبقات می‌رند و نیروهای مخالف توده‌ها، از صفحه مبارزه سیاسی است.

برای درهم کوبیدن انقلابیون

بفرمان امریکا، ارتش‌های مزدور گواتمالا و هندوراس وارد السالوادور شدند

بیش از ۲۰ هزار نفر از کارکنان دولت به اعتصاب عمومی پیوسته‌اند.

این مداخله مسلحانه بخشی از تجاوز نظامی مستقیم امریکا در السالوادور است.



نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: متوجه بیزاری خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 420 15 January 1981

Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

انقلابیون السالوادور، تهاجم وسیع و همه‌جانبه خود علیه مزدوران آمریکایی حاکم بر این کشور را ادامه می‌دهند. نیروهای مسلح خلق توانسته‌اند با حمایت همه‌جانبه مردم، شهر «سانفرانسیسکو گوتز» را از تصرف ارتش مزدور السالوادور خارج کنند. عملیات نظامی نیروهای انقلاب در حالی شدت می‌گیرد که اعتصاب عمومی اعلام شده در این کشور، روز به روز گسترش می‌یابد. صدها کارخانه، کارگاه و بسیاری از بانکها و ادارات تعطیل شده و خطوط اتوبوسرانی شهر سان‌سالوادور، پایتخت کشور، از کار افتاده است. تعداد کارمندان دولت، که به حمایت از درخواست اعتصاب عمومی از سوی جبهه آزادیبخش ملی السالوادور (فاراپوند و مارتی) و جبهه دمکراتیک انقلابی، اعلام شده، بیش از ۲۰ هزار نفر اعلام شده است.

«جبهه دمکراتیک انقلابی» اعلام کرده‌است که ارتش مزدور گواتمالا، نیروهای خود را وارد یکی از استانهای کشور کرده‌است. مقام‌های آمریکایی اعلام کرده‌اند که، کارتی تصمیم دارد کمک نظامی خود را به داروستانه نظامی حاکم بر السالوادور افزایش دهد. اعلام رسمی این‌خبر از سوی مقام‌های آمریکایی، گواهی تشدید فعالیت آمریکا برای مداخله مستقیم نظامی در السالوادور است. این مداخله نظامی با کمک ارتش‌های دست‌نشانده گواتمالا و السالوادور صورت خواهد گرفت.

گزارش‌های رسیده حاکیست که واحدهای ارتش مزدور گواتمالا، که وارد السالوادور شده‌اند، به سوی شهر «سان آنا» که تحت کنترل نیروهای انقلابی است، پیش می‌روند. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که

مستشار نظامی آمریکایی، رهبر «مبارزان افغانی»

رسانه‌های گروهی هند به نقل از مقام‌های آگاه افغانی اعلام کردند که نیروهای زبونی افغانستان و گروه‌های مسلح خلق، یک مستشار آمریکایی را در جنوب افغانستان بقتل رسانده‌اند. یک خبرگزاری هند گزارش داد که در جریان درگیری میان نیروهای مسلح افغانستان و واحدهای مسلح خلق در ایالت زایو با گروهی از مزدوران ضد انقلابی، عدم‌زیادی از این مزدوران و همچنین یک مستشار آمریکایی، که رهبری این باند را در دست داشت، کشته شدند.

از سوی دیگر، روزنامه آمریکایی «فیلادلفیا اینکوآیر» قاش کرد که آمریکا تصمیم گرفته است کمک به «مبارزان» افغانی را افزایش دهد. به توشه مطبوعات آمریکایی، این کشور سلاح‌های ضدتانک و ضد هوایی در اختیار ضدانقلابیون افغانی در پیشاور در پاکستان، قرار میدهد.

تشکیل بریگاد بین‌المللی برای کمک به انقلابیون

در این میان، کمیته مکزیکر همبستگی با خلق السالوادور اعلام کرد:

«برای پشتیبانی از انقلابیون آن کشور، یک بریگاد بین‌المللی تشکیل شده است.»

رئیس این کمیسیون، در جریان تظاهراتی در مقابل سفارت آمریکا در شهر مکزیکو، که طی آن، مداخله امپریالیسم آمریکا در السالوادور، محکوم شد، تشکیل این بریگاد را اعلام کرد. مردم السالوادور، علیرغم تمام توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و مداخلات نظامی دست‌نشانده‌گانش در کشور، قاطعانه نبرد خود را برای سرنگونی رژیم فاشیست السالوادور ادامه می‌دهد و در این مبارزه از پشتیبانی نیروهای انقلابی در سراسر جهان برخوردارند.

خلق نامی بیا، مبارزه مسلحانه خود را تشدید خواهد کرد

در صورتی که کنفرانس ژنو بر اثر خرابکاری آفریقای جنوبی و دست‌نشانده‌گان آن به نتیجه نرسد، «سوابو» خواستار اتمام مجازات‌های اقتصادی همه‌جانبه علیه آفریقای جنوبی خواهد شد.

لازم به تذکر است که کنفرانس ژنو برای استقلال نامی بیا، با نظارت سازمان ملل متحد تشکیل شده است. ولی نژادپرستان آفریقای جنوبی، که سالهاست نامی بیا را در اشغال خود دارند، به بیانه‌های مختلف تلاش دارند کنفرانس را با شکست روبرو سازند.

سام نجویا، رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سوابو) در مصاحبه مطبوعاتی که در ژنو برگزار شد، درباره نتیجه تلاش‌هایی که نژادپرستان آفریقای جنوبی در جهت به بن‌بست کشاندن کنفرانس ژنو بعمل می‌آورند، گفت:

«اگر کنفرانس ژنو بر اثر کارشکنی نژادپرستان آفریقای جنوبی یا شکست روبرو شود، خلق نامی بیا، مبارزه مسلحانه خود علیه اشغالگران را گسترش خواهد داد.» نجویا همچنین افزود: